

## فعالیت‌های مذهبی کارملیت‌ها در ایران عصر صفوی

سید احمد رضا خضری<sup>۱</sup>

اعظم فولادی پناه<sup>۲</sup>

**چکیده:** حضور هیئت‌های تبلیغی - تبشیری اروپایی در ایران، از جمله مباحث مورد توجه در تاریخ صفویه است، و کارملیت‌ها از مهم‌ترین این هیئت‌ها بوده‌اند. کارملیت‌ها به عنوان یکی از هیئت‌های تبلیغی کاتولیک و فرستادگان پاپ، از دوره‌ی حکومت شاه عباس اول، به منظور برقراری اتحاد میان ایران و دول مسیحی اروپا در برابر عثمانی، و نیز ترویج مذهب کاتولیک، به ایران آمدند و برای تحقق این اهداف به فعالیت‌های مختلفی پرداختند و تا انقراض صفویان همواره مورد حمایت شاهان آن سلسله بودند. هم از این رو بود که آنان توانستند تا پایان عصر صفوی و حتی بعد از آن، در ایران حضوری فعال و مستمر داشته باشند. حضور و فعالیت‌های کارملیت‌ها در ایران عصر صفوی در زمینه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و مذهبی بی‌آمدهایی به دنبال داشت، که بیش‌تر این بی‌آمدها در راستای تحقق اهداف پاپ و برخی دول اروپایی بود. این پژوهش در پی آن است که پس از ارائه‌ی معرفی کوتاهی از کارملیت‌ها و چگونگی حضور آنان در ایران عصر صفوی، بی‌آمدهای مذهبی حضور آنان را در آن دوره بررسی و واکاوی نماید.

**واژه‌های کلیدی:** کارملیت‌ها، صفویه، مبلغان مذهبی، پاپ، عثمانی، فعالیت‌های مذهبی

۱ دانش‌یار دانشگاه تهران ahmadkhezri@yahoo.com

۲ پژوهش‌گر تاریخ و تمدن اسلامی asooladi1984@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۰/۸/۸ تاریخ تأیید: ۹۰/۹/۱۵

## The Carmelites' Religious Activities in the Safavid Era Iran

Seyyed– Reza Khezri<sup>1</sup>  
Azam Fuladi<sup>2</sup>

**Abstract:** Attendance of the European missionary – guiding groups in Iran, is one of the remarkable discussions in the Safavid history, and the Carmelites were the most important group among them. The Carmelite, as a Catholic group and an emissary by the Pope, to establish Unity between Iran and European States against Ottoman, also promoting Catholic religion, came Iran under Shah Abbas I, and to materialize these aims, They embarked different activities, and were always supported by the Safavids' Kings before their fall. Therefore, they could have an active enduring presence in Iran to the end of Safavid's era and even after it. The Carmelites' presence and their activities in the Safavid's era Iran had Consequencies in different political, cultural, social and religious fields, while mostly in the direction of the Pope's aims and some European states.

After displaying a brief introduction about Carmelites and the quality of their presence in the Safavid's era Iran, the article tries to dig a hole in search of the consequences of their religious presence in mentioned period.

**Keywords:** Carmelites, Safavids, Religious Missionaries, Pope, Ottoman, Religious Activities

---

1 Assouated Professor in Tehran University ahmadkhezri@yahoo.com

2 Researcher of Islamic History and Civilization apooladi1984@gmail.com

## مقدمه

کارملیت‌ها یکی از چهار فرقه‌ی درویش مسلک کلیسای کاتولیک رماند که پیروان آن‌ها تحت عنوان «راهبان مریم مقدس کوه کرمل»<sup>۱</sup> نامیده می‌شدند. با آن‌که برخی از پژوهش‌گران، پیدایش این فرقه را به روزگار ایلپای نبی، پیامبر عهد عتیق، باز می‌گردانند، اما به نظر می‌رسد که نخستین ظهور تاریخی این فرقه به معتکفانی باز می‌گردد که در حدود سال ۱۱۵۵م در کوه کرمل<sup>۲</sup> خلوت گزیدند. آیین این فرقه بین سال‌های ۱۲۰۶-۱۲۱۴م توسط سنت آلبرت<sup>۳</sup>، سر اسقف لاتینی اورشلیم، نوشته شد و در سال‌های ۱۲۲۴-۱۲۲۶م از سوی پاپ هونوریوس سوم<sup>۴</sup> به تصویب رسید. راهبان کارملیت بر آن بودند تا در کوه کرمل، راه زندگی ایلپای نبی را ادامه دهند، پیامبری که نویسندگان اولیه‌ی مسیحی، او را مؤسس رهبانیت در این دین می‌دانند. نخستین پیروان فرقه‌ی کارملیت به شیوه‌ی معتکفان زندگی می‌کردند. آن‌ها در حجره‌ها یا کلبه‌های مجزا ساکن می‌شدند و روزه‌ی سکوت می‌گرفتند و در انزواپی همراه با ریاضت و زهد، روزگار را سپری می‌نمودند.<sup>۵</sup>

در پی شکست‌های سپاهیان صلیبی از مسلمانان، کوه کرمل برای کارملیت‌ها ناامن شد. از این‌رو، در حدود سال ۱۲۴۰م آن‌جا را رها ساختند و رو به سوی قبرس، سیسیل، فرانسه و انگلستان نهادند. نخستین مجمع عمومی کارملیت‌ها در سال ۱۲۴۷م در انگلستان تحت سرپرستی سنت سیمون استاک<sup>۶</sup> برگزار شد و یکی از قدیم‌ترین خانه‌های فرقه‌ی کارملیت در آلنویک<sup>۷</sup> انگلستان تأسیس شد. همچنان‌که در اوسط سده‌ی سیزدهم میلادی، سن لوئیس نهم<sup>۸</sup>

1 Friars of Our Lady of Mount Carmel

۲ کرمل (Carmel)، کوهی است در سرزمین فلسطین که بخشی از آن نیز در لبنان واقع شده است و در بخش جنوبی منطقه‌ی جلیله قرار دارد. در بخش‌های مختلفی از این کوه، صومعه‌های ویران شده‌ای وجود دارد که مربوط به دوره‌ی پیامبران یهود است و غاری که گفته می‌شود محل اعتکاف ایلپای نبی بوده است، نیز در آن‌جا قرار گرفته است. در کتاب مقدس (عهد عتیق)، در کتاب اول پادشاهان، باب هیجدهم، آمده است که در همین کوه کرمل بود که ایلپای نبی در حضور بنی اسرائیل معجزه‌ی خود را به انبیای بعل (دروغین) نشان داد تا قوم بنی اسرائیل به خدا (یهوه) ایمان آورند. برای آگاهی بیشتر، نک: کتاب مقدس (عهد عتیق و عهد جدید) (۱۹۸۷م)، ترجمه‌ی انجمن کتاب مقدس، تهران: انتشارات انجمن کتاب مقدس ایران، صص ۵۶۱ - ۵۶۳؛ نیز:

*The Encyclopedia AMERICANA* (1963), New York: AMERICANA Corporation, vol.5, p. 628 .

3 St. Albert

4 Pope Honorius III

۵ جورج برنتل (۱۳۸۱ش)، *آیین کاتولیک*، ترجمه‌ی حسن قنبری، قم: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، صص ۱۷۷-۱۷۸.

6 St. Simon Stock

7 Alnwick

8 St. Louis IX

نیز، نخستین خانه‌ی کارملیت‌ها را در فرانسه تأسیس نمود.<sup>۱</sup> افزون بر این، اعضای این فرقه با شرایط سرزمین‌های غربی که به آن‌ها نقل مکان کرده بودند، سازگاری یافتند. از این‌رو، از قالب معتکف به راهب درویش مسیحی تغییر ماهیت دادند.

آیین کارملیت در سال ۱۲۴۷م توسط پاپ اینوسنت چهارم<sup>۲</sup> اصلاح شد و به فرقه‌های دومینیکن و فرانسیسکن نزدیک گردید.<sup>۳</sup> همچنین، ایگنیوس چهارم<sup>۴</sup> در سال ۱۴۳۲م با کاهش سختی‌ها و ریاضت‌های آیین کارملیت موافقت نمود و آن را مجاز شمرد، که این امر منجر به انفصالی مهم در این فرقه شد.<sup>۵</sup> لازم به ذکر است که عضویت در فرقه‌ی کارملیت، تا مدت‌ها تنها به مردان اختصاص داشت و پیش از سده‌ی پانزدهم میلادی، هیچ راهبه‌ی کارملیتی وجود نداشت. تا آن‌که از نیمه‌ی قرن پانزدهم میلادی، زنان نیز به فرقه‌ی کارملیت پیوستند و به عنوان راهبه به فعالیت‌های مذهبی پرداختند.<sup>۶</sup>

در سال ۱۵۶۲م، عارفه‌ی بزرگ، سنت ترزای آویلابی،<sup>۷</sup> که راهبه‌ی کارملیت بود، بنا به توصیه‌ی پاپ، شاخه‌ای مجزا از جامعه‌ی خواهران روحانی را، تحت آیینی بسیار سخت تأسیس نمود. لذا، ترزا در آویلا صومعه‌ی کوچکی تأسیس کرد که در آن راهبه‌ها زندگی خود را به شیوه‌ی معتکفان می‌گذراندند. او تصمیم گرفت که فرقه‌ی اصیل درویش کارملیت را با همان ریاضت‌های شیوه‌ی باستان، احیا نماید، که نتیجه‌ی کوشش‌های او در این زمینه، تشکیل فرقه‌ی فرعی کارملیت‌های پابره‌نه<sup>۸</sup> بود.<sup>۹</sup> می‌توان گفت که این جنبش از جمله‌ی مهم‌ترین جنبش‌های

1 *The Encyclopedia AMERICANA* (1963), vol.5, New York, Americana Corp, pp. 628-629 ; Schaff, vol.5, pp. 865-866

2 Pope Innocent IV

3 *The New Encyclopedia Britanica*(2003), London: Encyclopedia Britanica corporation, vol. 2, p. 876

4 Eugenius IV

5 *The Encyclopedia AMERICANA*(1963), vol.5, pp. 628-629

6 George Sarton, *Introduction to the History of Science*, Baltimore: The Williams & Wilkins Company, (1984), vol.2, pp. 486,2/549.

۷ یکی از بزرگ‌ترین عارفان اسپانیایی، ترزای آویلابی (Teresa of Avila) (۱۵۱۵-۱۵۸۲ م) است. وی که از خاندانی یهودی - مسیحی تبار بود، ابتدا در شانزده سالگی وارد مدرسه‌ای شد که توسط راهبه‌های آگوستینی اداره می‌شد. اما در ۲۱ سالگی، برخلاف میل پدر خود، به صومعه‌ی کرملیان در شهر آویلا وارد شد و نام ترزای عیسوی را بر خود نهاد. او پس از مدتی حضور در این صومعه، به فکر اصلاح و احیای مرام کرملیان افتاد و تصمیم گرفت اساس این فرقه را به اصل طریقت زهد و ریاضت، که مبتنی بر فقر و عزلت‌نشینی است، باز گرداند. وی در این امر توفیق یافت و توانست شاخه‌ی «کارملیت-های پابره‌نه» را تأسیس نماید. برای آگاهی بیشتر، نک: استیون، فلینگ (۱۳۸۴ش)، *عارفان مسیحی*، ترجمه‌ی فریدالدین راد مهر، تهران: انتشارات نیلوفر، صص ۲۰۲-۲۰۳.

8 Discalced (Bare Footed) Carmelites (O.C.D)

9 *The Encyclopedia AMERICANA*(1963), vol.5, pp. 628-629 ; Schaff, vol.5, p. 867

فرقه‌ی کارملیت است. شایان ذکر این که تغییر یاد شده، نه تنها در صومعه‌ی راهبه‌های کارملیت، بلکه با همکاری خوان دپیز یا سنت جان صلیبی،<sup>۱</sup> در میان راهبان کارملیت نیز صورت پذیرفت. هدف از این اصلاح، احیاء و تأکید بر زندگی همراه با ریاضت و تفکر فرقه‌ی اوئی‌هی کارملیت بود. از آن‌جا که کارملیت‌های پابره‌نه به جای کفش، صندل می‌پوشیدند، به این نام موسوم، و این‌گونه از شاخه‌ی قدیم‌تر این فرقه باز شناخته شدند. کارملیت‌های پابره‌نه در سال ۱۵۸۰م تا حدودی استقلال یافتند، اما در سال ۱۵۹۳م به دستور پاپ، به فرقه‌ای مستقل تبدیل گشتند.<sup>۲</sup> گفتنی است که فرقه‌ی کارملیت، مانند فرقه‌ی دومینیکن و فرانسیسکن، مؤسس مشخصی ندارد؛ با این‌همه، کارملیت‌ها ایلای نبی و مریم مقدس را مؤسسان فرقه‌ی خود می‌دانند.<sup>۳</sup> شایان ذکر آن‌که، چون کارملیت‌ها ردایی سفید را به عنوان لباس خود برگزیده بودند، آنان را فرقه‌ی برادران سفید<sup>۴</sup> و یا سفید پوش نیز می‌گفتند.<sup>۵</sup>

کارملیت‌ها به فرمان پاپ کلمنت هشتم (۱۵۹۲-۱۶۰۵م)، از سال ۱۶۰۷م/۱۷۰۱ق، یعنی در دوره‌ی حکومت شاه عباس اول، برای تبلیغ مذهب کاتولیک به ایران آمدند.<sup>۶</sup> این دوره مصادف با زمانی بود که پاپ و سراسقف‌های واتیکان در صدد بودند تا از دشمنی بین ایران و ترکان عثمانی بهره‌برداری کنند و به منظور شکست ترکان، موجبات اتحاد ایران با پادشاهان مسیحی اروپا را فراهم آورند. بدین منظور، پاپ کلمنت هشتم، کارملیت‌های پابره‌نه‌ی ایتالیا را که در صدد تبلیغ آیین کاتولیک در فلسطین به‌سر می‌بردند، انتخاب نمودند و پس از گفت-

۱ خوان دپیز یا سنت جان صلیبی (Juan de Yepes, St. John of the Cross) (۱۵۴۲-۱۵۹۱م) از اهالی کاستیل بود و در سال ۱۵۶۳م به فرقه‌ی کارملیت پیوست و نام خوان قدیس متی را بر خود نهاد. وی چندی بعد وارد دانشگاه مطالعات کلامی و فلسفه‌ی سالامانکا شد و در سال ۱۵۶۷م به عنوان کشیش به نظام روحانی و اسقفی در آمد. او پس از ملاقات با تئزای آویلابی، به اصلاح فرقه‌ی کرملیان علاقه‌مند شد، تا این اصلاحات برای برادران کارملیت، درست مانند خواهران کارملیت، مفید افتاد. لذا، او در سال ۱۵۶۸م، یکی از اعضای بزرگ‌ترین جماعات کشیشان کارملیت اصلاح‌گرا شد و نامش را به «سنت جان صلیبی» تغییر داد. او برای اصلاح فرقه‌ی کارملیت تلاش‌های زیادی نمود. برای آگاهی بیشتر، نک: فاینینگ، صص ۳۰۵-۳۰۶.

2 *The New Encyclopedia Britannica*, vol. ۲, p. 876; Schaff, vol. 5, p. 867.

3 Bowker, John (1999), *The OXFORD Dictionary of world Religions*, Oxford - New York: Oxford university Press, p. 258

4 White Friars .

5 Sarton, vol. 2, p. 486.

۶ دن گارسیا د سیلوا فیگوئروا (۱۳۶۳ش)، *سفرنامه‌ی فیگوئروا*، ترجمه‌ی غلامرضا سمیعی، تهران: نشر نو، صص ۲۱۹-۲۲۰؛ نصرالله فلسفی (۱۳۷۵ش)، *زندگانی شاه عباس اول*، تهران: انتشارات علمی، ص ۹۳۵؛

Robin.E Waterfield (1973), *Christians in Persia*, London: George Allen & Unwin, p.65; C. Alonso (1983), "A los orígenes de las relaciones entre la Santa Sede y Persia, 1571-1572," *Miscellanea Historiae Pontificiae* 50, pp. 215-229.

وگویی حضوری با آنان، سه تن به نام‌های «پادره<sup>۱</sup> ژان تاده»،<sup>۲</sup> «پادره وینسنت»<sup>۳</sup> و «پادره پل سیمون»<sup>۴</sup> را از بین آن‌ها برگزید و آنان را تشویق نمود که به جای وی، عهده‌دار این مأموریت شوند و اهداف وی را محقق سازند.<sup>۵</sup> این‌گونه بود که مبلغان کارملیت در دوره‌ی صفوی وارد ایران شدند و پس از زوال صفویان، تا اواخر سده‌ی ۱۸م/۱۲ق، مصادف با دوران حکومت زندیه، در ایران حضور داشتند و در زمینه‌های مختلف مذهبی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، به فعالیت پرداختند، که در این مقاله، تنها مهم‌ترین فعالیت‌های مذهبی آنان در عصر صفوی، مورد بررسی قرار گرفته است.

### ۱. شناسایی جامعه‌ی ایرانی برای پیش‌برد اهداف تبلیغی - تبشیری

پدران کارملیت از بدو ورودشان به ایران، درصدد ترویج مذهب کاتولیک بودند و برای این‌که راحت‌تر بتوانند در بین مردم ایران نفوذ کنند و به تبلیغ مذهب کاتولیک بپردازند، به شناسایی اقشار و گروه‌های مختلف جامعه‌ی ایرانی همّت گماشتند و شناختی نسبتاً دقیق و جزئی‌نگر از آن به دست آوردند؛ چنانچه پدر پل سیمون، طی گزارشی که در سال ۱۶۰۸م/۱۰۱۶ق به رم ارسال کرد، ویژگی‌های مختلف مسلمانان و آرامنه را به صورت جزئی بیان نمود و عقاید آن‌ها

۱ پادره (padre) در زبان‌های اسپانیولی، پرتغالی و ایتالیایی، به معنای پدر و مترادف با "pere" فرانسوی، و به معنای پدر روحانی است این لقب تا اوایل دوره‌ی قاجاریه در مورد مبلغان مسیحی به کار برده می‌شد. برای آگاهی بیشتر، نک: ابوالقاسم طاهری، *تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران (از مرگ تیمور تا مرگ شاه عباس)*، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، صص ۳۵۱-۳۵۲؛ سعید نفیسی، «روابط تاریخی دربار ایران و دربار واتیکان»، در *مجله‌ی وزارت امور خارجه*، ش ۹، صص ۲۲-۲۳؛ سید حسن امین، «تبلیغ مسیحیت در قلمرو اسلام و پادریان در ایران»، در *مجله‌ی مقالات و بررسی‌ها*، ش ۶۶، صص ۱۶۷-۱۶۸.

۲ پدر ژان تادئوس اهل سنت الیسا ئوس (John Thaddeus of S. Elisaeus) نام اصلی او Jaun Roldan Ybanez بود. او یک اسپانیایی تبار بود و در سال ۱۵۷۴م در کالاهورا (Calahorra) در اسپانیا غسل تعمید داده شد و در سال ۱۵۹۶م در صومعه‌ی والادولید (Valladolid) لباس کشیشی بر تن کرد و در سال ۱۵۹۷م در همان جا به درجه‌ی استادی نائل شد. او در سال ۱۶۰۰م به رم رفت و در سال ۱۶۰۱م به صومعه‌ی در ناپل عزیمت نمود. ژان تاده اشتیاق فراوانی برای کار تبلیغ در بین مردم یکی از سرزمین‌های اسلامی داشت و با انتخاب وی از سوی پاپ برای اعزام به ایران، آرزوی وی برآورده شد. شایان ذکر است که پاپ لقب تادئوس (Thaddeus) را به ژان، به یادبود یکی از دو حواری‌ای که بنا بر سنت، انجیل را برای ایرانی‌ها بردند، اعطا نمود.

*A Chronicle of the Carmelites in Persia and the Papal mission of the XVII and XVIII centuries* (1939), London: Eyre and Spottiswoode, vol.2, p. 920.

3 Fr. Vincent Mary of S. Catherine of Sienna.

4 Fr. Paul Simon of Jesus Mary.

۵ جان شاردن (۱۳۷۴ش)، *سفرنامه‌ی شاردن*، ترجمه‌ی اقبال یغمایی، ج ۱، تهران: انتشارات توس، صص ۴۷۹-۴۸۰. Ibid, vol.2, p. 920

را به دقت برشمرد. وی حتی در مورد وضعیت آب و هوایی، محصولات کشاورزی و نوع خوراک و پوشش مردم نیز اطلاعات دقیقی به دست داد.<sup>۱</sup> با مطالعه‌ی این گزارش‌ها، می‌توان دریافت که مبلغان کارملیت به صورتی موشکافانه و ژرف در مورد آداب و مشخصات جامعه‌ی ایرانی تحقیق نموده و این اطلاعات را در اختیار صاحب منصبان کلیسای کاتولیک رم و پاپ قرار داده‌اند؛ چراکه با داشتن این اطلاعات، آسان‌تر می‌توانستند در میان گروه‌های مختلف جامعه‌ی ایرانی نفوذ کنند و به ترویج مذهب کاتولیک بپردازند. بدین‌سان، می‌توان کارملیت‌ها را از جمله‌ی نخستین مبلغان اروپایی دانست که به مطالعه‌ی جامعه‌ی ایران عصر صفوی پرداختند، به گونه‌ای شاید بتوان آن‌ها را پیش‌گامان شرق‌شناسی در جهان به شمار آورد.

## ۲. ترویج دین مسیح در دربار شاه عباس

مبلغان کارملیت همواره سعی داشتند شاه عباس و درباریان‌ش را به دین مسیح در آورند و بدین وسیله تحقق اهداف سیاسی و مذهبی پاپ و دول مسیحی اروپا را تسریع نمایند. در این بین، ژان تاده که سرپرست و رئیس کارملیت‌های اعزام شده به ایران در دوره‌ی شاه‌عباس به شمار می‌آمد، برای نفوذ بیشتر در دربار شاه‌عباس و ترغیب وی به مسیحیت، پیشنهادهایی ارائه نمود و بیان داشت که، «... روحیه شاه عباس به گونه‌ای است که با فرستادن ساعت سازان، نوازندگان، نقاشان و افراد خوش ذوق نزد وی، خوشحال خواهد شد، اما باید متذکر شد که این افراد بایستی در دین خود اعتقادی راسخ داشته باشند، چراکه در غیر این صورت این کار خطر بزرگی در پیش دارد و این خطر از جانب شاه و مردم است و آنها ممکن است با اعمال و سخنانشان فرستادگان مذکور را تشویق به تغییر دین بکنند...»<sup>۲</sup>

همچنین، در مورد فعالیت‌های کارملیت‌ها در بین درباریان شاه‌عباس، می‌توان به نامه‌ی اشاره نمود که ژان تاده در سال ۱۶۱۶م/۱۰۲۵ق به پدر بنیگنوس در رم نگاشته است. او در این نامه با اشاره به رفتار صمیمانه‌ی درباریان با وی و سایر پدران کارملیت، از ارتباط خود با شاه، شاهزادگان و وزیران سخن گفت و استفاده از هر فرصتی را به منظور ترویج دین مسیح در میان درباریان، مورد توجه قرار داد. او براین باور بود که برای ترویج دین مسیح در بین آنان،

1 Ibid, vol.1, pp. 155- 158 & vol.1, pp.164- 165.

2 A Chronicle of the Carmelites, vol.1, pp.165.

ابتدا باید از راه تزکیه وارد شد و سپس راه روشن‌گری<sup>۱</sup> را به آن‌ها نشان داد و دین مسیح را دینی کمال‌گرا به آن‌ها معرفی نمود. ژان تاده برای رسیدن به این مقصود، به دنبال ترجمه‌ی برخی آثار و کتاب‌های دین مسیح، از جمله اصول و عقاید مسیحیت، انجیل و زیور داود، به زبان فارسی بود و برای انجام گرفتن این کار، از سه عالم مسلمان ایرانی و یک راهب یهودی، که مترجم متون عبری بود، کمک گرفت و به ترجمه و تصحیح متون مقدس اقدام نمود.<sup>۲</sup>

پدران کارملیت، همچنین، با شاه عباس در مورد آموزه‌های مسیحی به مباحثه می‌پرداختند و سعی داشتند از این طریق، او را به نوعی به مذهب کاتولیک متمایل سازند. به عنوان نمونه، در تاریخ ۱۶۲۱م/ ۱۰۳۰ق، شاه عباس در جلسه‌ای که با حضور پدر وینسنت و پدر ژان تاده و تعدادی از انگلیسی‌های شرکت هند شرقی برگزار شد، از ژان تاده درخواست نمود که تفاوت‌های مذهب کاتولیک و مذهب پروتستان را برای وی بیان نماید، و او نیز به ذکر این تفاوت‌ها پرداخت و در این جلسه توانست از جای‌گاه و اصول مذهب کاتولیک در برابر مذهب پروتستان دفاع نماید و با زیرکی و فراست به پرسش‌های شاه عباس درباره‌ی عقاید دین مسیح پاسخ دهد. از جمله هنگامی که شاه عباس در مورد چرایی سجده‌ی پیروان مذهب کاتولیک به صور انبیاء و اولیاء و صلیب سؤال نمود، ژان تاده زیرکانه در پی آن بود که با استفاده از فرصت، سجده‌ی مسلمانان بر خاک و سنگ را نوعی بت‌پرستی فرا نماید و عمل پیروان مذهب کاتولیک را در سجده به صور اولیاء الهی برتر جلوه دهد.<sup>۳</sup> بدین ترتیب، کارملیت‌ها به نحوی مطلوب از عقاید و آیین مذهب کاتولیک، خاصه در برابر مسلمانان و پیروان مذهب پروتستان، دفاع نمودند و این امر خود نشان‌گر احاطه‌ی علمی و خبرگی پدران کارملیت در انجام دادن فعالیت‌های تبلیغی و مذهبی بود.

### ۳. تلاش برای تأسیس مدرسه‌ی میسیونری (تبلیغی) در ایران

ژان تاده در هنگام ورود به ایران، برای ترویج مسیحیت، در نظر داشت که مدرسه‌ای میسیونری برای آرامنه، گرجی‌ها، چرکس‌ها و برخی ایرانیان تأسیس کند و برای تحقق این هدف، به

1 Illuminative way

۲ رسول جعفریان (۱۳۸۸ش)، سیاست و فرهنگ روزگار صفوی، ج ۲، تهران: انتشارات علم، ص ۹۶۹؛ Ibid, vol. 1, p. 231.

۳ اسناد پادریان کرملی بازمانده از عصر شاه عباس صفوی (۱۳۸۳ش)، به کوشش منوچهر ستوده و با همکاری ایرج افشار، تهران: انتشارات میراث مکتوب، سند شماره ۱۴۸، صص ۱۹۹-۲۱۵؛ محمد حسن کاوسی عراقی (۱۳۷۹ش)، اسناد روابط دولت صفوی با حکومت‌های ایتالیا، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، سند ۷۴، صص ۲۵۸-۲۷۰.

A Chronicle of the Carmelites, vol. 1, pp. 249-253.



صاحب‌منصبان کلیسای کاتولیک رم پیشنهاد نمود تا بردگانی را از اقوام مختلف ساکن در ایران، از سنین کودکی خریداری نمایند و این‌گونه آداب و عقاید مذهب کاتولیک و اصول اساسی تبلیغ آیین مسیح را ابتدا در اصفهان به آن‌ها آموزش دهند و سپس آن‌ها را برای کسب مهارت بیش‌تر به رم بفرستند، تا هنگامی که بزرگ‌تر شدند، از آن‌ها به عنوان مترجم و مبلغ مسیحیت در ایران بهره‌برند. ارائه‌ی این پیشنهاد از طرف ژان تاده بدین منظور صورت پذیرفت که شاه‌عباس با انجام گرفتن چنین عملی از سوی پدران کارملیت، مخالفتی نخواهد نمود، چراکه برپایه‌ی قوانین عرفی برده‌داری، غلام و برده بایستی دین صاحب خود را اختیار نماید.<sup>۱</sup> بنابراین، کارملیت‌ها همواره در راستای تحقق اهداف پاپ در زمینه‌ی تبلیغ دین مسیح در ایران اهداف بلند مدتی در ذهن می‌پروراندند.

#### ۴. ترویج مذهب کاتولیک در بین ارمنه‌ی اصفهان

کارملیت‌ها، پس از اعزام‌شان به ایران و استقرار در پایتخت دولت صفوی، برای همراه نمودن ارمنه با خود، تدابیری اندیشیدند و درباره‌ی چگونگی تبلیغ در بین آنان، راه‌کارهایی را به مجمع مقدس تبشیر ایمان<sup>۲</sup> در رم متذکر شدند؛ از جمله آن‌که، برای تبلیغ در بین ارمنه به ۳۳ مبلغ نیاز است: ۲۱ مبلغ برای ماندن در صومعه و اجرای آداب و مناسک دین مسیح، زبان‌آموزی و ترجمه‌ی کتب مقدس، و ۱۲ مبلغ دیگر برای زندگی در بین ارمنه و موعظه نمودن آنان، تا بدین‌گونه ارمنیان را به راه و رسم مذهب کاتولیک و عقاید اصولی مسیحیت رهنمون گردند.<sup>۳</sup>

راه‌کار دیگر مبلغان کارملیت برای گرایش ارمنه به مذهب کاتولیک، ازدواج دختران مسیحی کاتولیک با نجیب‌زادگان ارمنی بود؛ چراکه از این راه، افراد بیش‌تری از ارمنه به مذهب کاتولیک روی می‌آوردند.<sup>۴</sup> همچنین، هنگامی که شاه‌عباس ارمنه را مجبور به پرداخت وام‌هایشان نمود، و فرمان داد که اگر ارمنه وام خود را نپردازند، باید دین اسلام را بپذیرند، کارملیت‌ها به یاری آن‌ها شتافتند و برای جلوگیری از تغییر دین ایشان، مبالغی به آن‌ها پرداختند، تا دیون خود را به شاه ادا نمایند و بدین‌گونه گامی در راستای نزدیک‌تر ساختن ارمنه به مذهب

1 Ibid, vol.1, p. 165.

2 Sacred Congregation de Propaganda Fide

3 *A Chronicle of the Carmelites*, vol.1, pp. 166-167.

۴ پیتر، دلاواله (۱۳۸۰ش)، *سفرنامه‌ی پیتر دلاواله*، ترجمه‌ی محمود بهفروزی، ج ۱، تهران: انتشارات قطره، ص ۸۷۹.

### کاتولیک برداشتند.<sup>۱</sup>

کارملیت‌ها در صدد بودند تا آرامنه را به اطاعت از پاپ متمایل سازند و براین باور بودند که ارائه‌ی کمک‌های مالی و سیاسی به آرامنه در ایران و یا در سرزمین‌های مسیحی اروپا، باید در مقابل اطاعت آرامنه از پاپ اعظم باشد و هر ارمنی‌ای برای برخورداری از حمایت‌های دول مسیحی بایستی به مذهب کاتولیک درآید. پیشنهاد پدران کارملیت به صاحب‌منصبان کلیسای کاتولیک رم در خصوص آرامنه این بود که در صورت عدم اعتقاد آرامنه به کلیسای کاتولیک، دوک‌های ونیز و فلورانس و دول اروپایی، باید اموال آرامنه را مصادره نمایند.<sup>۲</sup> با وجود این، کارملیت‌ها موفقیت چندانی در تغییر مذهب آرامنه و گرایش آنان به مذهب کاتولیک، به‌دست نی‌آوردند. از این‌رو، همواره مخاصمات و درگیری‌هایی بین آرامنه و کارملیت‌ها وجود داشت؛ زیرا آرامنه از فعالیت‌های تبلیغی کارملیت‌ها و دیگر مبلغان کاتولیک در ایران ناراضی بودند و درصدد جلوگیری از آن برمی‌آمدند.<sup>۳</sup>

### ۵. ترویج مسیحیت در بین مسلمانان

یکی از اهداف کارملیت‌ها ترویج مذهب کاتولیک در بین مسلمانان ایران بود و مبلغان کارملیت، به‌خصوص در دوره‌ی حکومت شاه عباس، همواره در اندیشه‌ی تحقق این هدف بودند، لذا، بنابر گزارش‌هایی که از کارملیت‌ها بر جای مانده است، آن‌ها بدین منظور راه کارهایی ارائه کردند و فعالیت‌هایی انجام دادند. به عنوان نمونه، ژان تاده در ضمن گزارشی که در سال ۱۶۲۱م/۱۰۳۰ق به رم فرستاد، بیان داشته که منطقه‌ی لرستان، ناحیه‌ی مناسبی برای فعالیت‌های مبلغان کارملیت است و در این گزارش متذکر شده است: «... بسیاری از مردم لرستان تمایل دارند که مسیحی شوند و تقاضا دارند که تعدادی از پدران روحانی برای آنها اعزام شوند»؛<sup>۴</sup> و بنابر اعتقاد وی، مردم شمال خوزستان و بخش‌هایی از لرستان نسبت به سایر مناطق ایران، گرایش بیشتری، به مذهب کاتولیک از خود نشان می‌دهند.<sup>۵</sup>

۱ فلسفی، همان، ج ۳، ص ۱۱۵۴؛ Ibid, vol.1, pp. 207-208.

2 Ibid, vol.1, p. 493.

3 *A Chronicle of the Carmelites*, vol.1, p. 527.

۴ چنین به نظر می‌رسد که این گزارش‌ها با اغراق بیان شده است و در این‌جا فقط به ذکر گزارش‌ها پرداخته می‌شود و در مورد صحت این مطالب نمی‌توان اظهار نظر نمود.

5 Ibid, vol.1, p.236.

کارملیت‌ها، پس از یک دهه حضور در ایران و تبلیغ مذهب کاتولیک، توانستند در زمان سلطنت شاه عباس اول شماری از ایرانیان مسلمان را به آیین مسیح در آورند؛ مسئله‌ای که در نهایت منجر به واکنش شدید علما و روحانیان و شخص شاه گردید. در یکی از این اقدامات، ژان تاده در تاریخ ۲۱ دسامبر (سپتامبر) ۱۶۱۸/م ۰۲۷/۱۰، موفق شد که باغبان صومعه‌ی کارملیت‌ها در اصفهان را، که حسین نام داشت و یک ایرانی از اهالی لرستان بود، غسل تعمید دهد و به دین مسیح در آورد، و پس از پذیرش مسیحیت، نام الیاس خینونی<sup>۱</sup> را برای وی برگزید؛ همچنان که در اقدامی دیگر توانست خواهر الیاس و همسر وی و یکی از نوه‌های الیاس را نیز به مسیحیت در آورد.<sup>۲</sup> ژان تاده همچنین در ۱۴ سپتامبر ۱۶۱۹/م ۰۲۸/۱۰، جوانی ایرانی به نام جلال را، به دین مسیح در آورد و در کلیسای کارملیت‌ها غسل تعمید داد و چون جلال مدت‌ها خدمتکار پیتر و دلاواله بود، دلاواله پدر خواندگی او را پذیرفت و به دلیل این که در روز عید صلیب مقدس، مسیحی شده بود، او را خاچاتور<sup>۳</sup> نامید. خاچاتور نیز اهل لرستان و برادر همسر الیاس بود. چندی بعد، در ۲۸ دسامبر ۱۶۲۱/م ۰۳۰/۱۰، سه نفر دیگر از مسلمانان اصفهان به دست ژان تاده مسیحی شدند، که اسامی آن‌ها ابراهیم، یوسف و اسکندر بود،<sup>۴</sup> و آن‌ها بعد از مسیحی شدن، به نام‌های آبراهام، ژوزف و الکساندر، تغییر نام یافتند، که از بین آنان، الکساندر جزو اکراد بوده است.<sup>۵</sup>

البته تغییر دین مسلمانان مذکور، کاملاً مخفیانه بود و شاه و دستگاه حکومتی از این امر بی‌اطلاع بودند،<sup>۶</sup> و قطعاً پدران کارملیت تعداد دیگری از مسلمانان را نیز مسیحی کرده بودند،

۱ الیاس خینونی (Elias Cainoni) مدت هفت سال در خدمت پدران کارملیت بود و به تاکستان صومعه‌ی کارملیت‌ها در اصفهان رسیدگی می‌نمود. /سناد پادریان کرملی، سند شماره‌ی ۱۵۲، ۲۱۹.

2 Ibid, vol.1, p.259.

۳ دلاواله، ج ۲، صص ۹۴۸-۹۴۹.

۴ خاچاتور، نامی رایج در بین ارمنه و در زبان ارمنی، به معنای «هدیه‌ی صلیب» است. شایان ذکر این که در مجموعه‌ی *مکاتبات شاه عباس* از خاچاتور نام برده نشده و از این فرد تحت عنوان «الله‌وردی» به معنای «خداداد»، یاد شده است، که در واقع این دو با هم جمع هستند، چرا که خاچاتور به معنای خداداد هم تلقی می‌شود. برای آگاهی بیشتر، نک: دلاواله، ج ۲، صص ۹۲۸؛ *سناد پادریان کرملی*، سند شماره‌ی ۱۵۲، صص ۲۲۰؛ 259، p.1, vol.1. *A Chronicle of the Carmelites*.

۵ باید متذکر شد، در مجموعه‌ی *مکاتبات شاه عباس*، بیان شده است که هر چهار نفر، یعنی خاچاتور (خداداد)، اسکندر، یوسف و ابراهیم، همگی در تاریخ هفتم سپتامبر ۱۶۲۱/م ۰۳۰/۱۰، توسط ژان تاده مسیحی شدند، اما از آن‌جا که در کتاب-های *سفرنامه‌ی دلاواله* و *وقایع‌نگاری کارملیت‌ها* در ایران اشاره شده است که خاچاتور در سال ۱۶۱۹م مسیحی شده است، می‌توان به گفته‌های این دو کتاب بیش‌تر استناد نمود. برای آگاهی بیشتر، نک: *سناد پادریان کرملی*، سند شماره‌ی ۱۵۲، صص ۲۲۰؛ دلاواله، همان، ج ۲، صص ۹۲۸، p.259, vol.1. Ibid.

6 Ibid.

۷ دلاواله، همان، ج ۲، صص ۹۵۰-۹۵۱.

اما چون به صورت مخفیانه این تغییر دین را انجام می‌دادند و تعداد این افراد محدود بود، در منابع به آن اشاره‌ای نشده است. چنان‌که دلاواله بیان می‌دارد، کسی که اخبار اصفهان را برای وی می‌آورد، یک قزلباش ایرانی به نام نظر بیگ بود که به صورت مخفیانه مسیحی شده بود و کارملیت‌ها و دلاواله به او «توماس کپنی» می‌گفتند.<sup>۱</sup>

در اواخر سال ۱۶۲۱م/۱۰۳۱ق، ژان تاده شماری از نومسیحیان یاد شده را برای آموزش و تعلیم بیش‌تر آموزه‌های مذهب کاتولیک و امنیت بیش‌تر، به منطقه‌ی مسیحی‌نشین هرمز فرستاد<sup>۲</sup> و نامه‌هایی خطاب به «پادری بلتار» ریش سفید (که از جمله‌ی روحانیان مسیحی ساکن در هرمز بود) و کاپیتان پرتغالی هرمز و شخص «روی فریرا دآندرادا»<sup>۳</sup> نگاشت و از این نومسیحیان درخواست نمود که این نامه‌ها را به هرمز برسانند. ژان تاده در این نامه‌ها، ابتدا به معرفی افراد اعزامی می‌پردازد و متذکر می‌شود، از آن‌جا که خانه‌ی کارملیت‌ها در اصفهان خرج و مخارج سنگینی داشته، این افراد را به هرمز فرستاده است؛ سپس، سفارش می‌کند که آداب و آیین مسیحیت را به خوبی به آنان تعلیم دهند، به آن‌ها خواندن و نوشتن بیاموزند، جا و مکان مناسبی در اختیار آنان بگذارند و در حق ایشان محبت و شفقت نمایند.<sup>۴</sup> ژان تاده دلیل این امور را این‌گونه ذکر می‌کند: «... و این سبب خواهد شد که دیگر بندگان خدا دلیلی و دلداری داشته باشند، برای آنکه غیر از آنها بسیار کس قبول کند به دین حضرت عیسی صاحب ما و خلاص کننده ما که او در پناه شما دائم باشد».<sup>۵</sup>

بدین‌سان، این نومسیحیان در ۱۳ دسامبر ۱۶۲۱م/۱۰۳۱ق، از اصفهان به سوی هرمز عزیمت نمودند؛ اما وقتی الیاس به بندر گمبرون (بندر عباس) رسید، مشاهده نمود که میان لشکر امام-قلی‌خان، حاکم شیراز، و انگلیسی‌ها، با پرتغالی‌های ساکن هرمز جنگ در گرفته است؛ لذا، از

۱ همان، ج ۲، ص ۱۱۹۸.

۲ شایان ذکر است که در مجموعه‌ی مکاتبات شاه عباس، درباره‌ی سبب این سفر، آمده است که، این نومسیحیان خود به اصرار از پدران کارملیت درخواست نمودند که آن‌ها را به هرمز بفرستد؛ چراکه در آن‌جا می‌توانستند در کمال امنیت به عبادت مشغول شوند و از کشیشان کارملیت ساکن هرمز، آداب و عقاید مذهب کاتولیک را بیاموزند تا بعد از آن بتوانند در سرزمین ایران سایرین را به دین مسیح دعوت نمایند. حتی در این سند ذکر شده است که ژان تاده، به دلیل بروز جنگ میان سپاه شاه عباس و پرتغالی‌ها، مانع رفتن آن‌ها شده، اما ممانعت وی بی‌فایده بوده است. برای آگاهی بیش‌تر، نک: اسناد پادریان کرملی، سند شماره‌ی ۱۵۶، صص ۲۲۷-۲۲۸؛ Ibid, vol.1, p.259.

۳ روی فریرا دآندرادا (Ruy Freira de Andrada)، فرماندهی کل ناوگان پرتغال را در جنگ بین ایران و پرتغال، در راستای باز پس‌گیری هرمز به عهده داشت. برای آگاهی بیش‌تر، نک: دلاواله، همان، ج ۲، صص ۹۸۶-۹۸۷.

۴ اسناد پادریان کرملی، اسناد شماره‌ی ۱۵۲-۱۵۴، صص ۲۱۹-۲۲۳.

۵ همان، سند شماره‌ی ۱۵۳، ص ۲۲۲.

آن جا که شرایط را نامساعد دید، به بقیه‌ی افراد پیشنهاد داد که به اصفهان بازگردند، و خود تصمیم گرفت که از هر طریق ممکن رهسپار هرمز شود. اما در میانه‌ی راه، کارگزاران امام-قلی‌خان بدو شک کردند و در تفتیش از وی، نامه‌ی ژان تاده را یافتند. لذا، او را به جرم جاسوسی برای پرتغالی‌ها دست‌گیر کردند، چراکه هرگونه مکاتبه با نیروهای پرتغالی مستقر در هرمز به دستور شاه ممنوع شده بود. در زمان بازجویی از الیاس، مستر موس انگلیسی که در میان کارگزاران امام قلی‌خان حضور داشت، با ترجمه‌ی نامه‌های کارملیت‌ها متوجه شد که در این نامه‌ها اخبار سیاسی و جنگی وجود ندارد، ولی چون نام چهار تن دیگر، علاوه بر الیاس، در این نامه‌ها آورده شده بود، گمان بر این نهاد که شاید همراهان وی نامه‌ها و اسنادی با خود به همراه داشته باشند که در راستای کمک به پرتغالی‌ها و جاسوسی برای آن‌ها بوده باشد، و در جریان شکنجه‌ی الیاس، وی مسیحی شدن خود و نام همراهان خویش را بازگو نمود و سرانجام کارگزاران امام قلی‌خان او را به جرم جاسوسی و برگشتن از دین اسلام، میان چرمی پیچیدند و بر بلندای چوبی در بندر عباس میخ‌کوب کردند. تا این که از دنیا رفت.

شایان ذکر است که در گزارش‌های کارملیت‌ها این‌گونه آمده است که خاچاتور(الله وردی) شاهد چگونگی کشته‌شدن الیاس بوده است و او نیز به سرنوشت الیاس دچار گردید.<sup>۲</sup> دلاواله در این ماجرا، انگلیسی‌ها را مقصّر قلمداد می‌کند و می‌گوید: آن‌ها مرتد و دشمن کاتولیک‌ها بودند و این توطئه را علیه پدران کارملیت به انجام رساندند.<sup>۳</sup> خبر این واقعه در تاریخ ۱۳ فوریه‌ی سال ۱۶۲۲م/۱۰۳۲ق به شاه‌عباس رسید و او را خشمگین نمود؛ لذا، به حاکم دارالسلطنه‌ی اصفهان دستور داد که ژان تاده را در مورد مسیحی کردن پنج تن از مسلمانان و نیز ارسال نامه‌هایی به مقامات پرتغالی هرمز، بازخواست نماید. اما ژان تاده برای رفع اتهامات وارده در مقام پاسخ

۱ اسناد پادریان کرملی، سند شماره‌ی ۱۵۸، صص ۲۴۸-۲۴۹؛ Ibid, vol. 1, pp. 259-260.

۲ در این‌جا باید به این نکته توجه کرد که در مجموعه‌ی مکاتبات شاه‌عباس بیان شده است که از خاچاتور (الله وردی) خبری حاصل نشد و مشخص نگردید که او در این ماجرا کشته شد و یا جان به در برد. از طرف دیگر، آن طور که دلاواله در گزارش‌هایش بیان می‌دارد، ظاهراً خاچاتور همراه این چهار نفر به هرمز نرفته بود؛ چراکه نظریه‌ی که ماجرای دست‌گیری نو مسیحیان را برای دلاواله شرح داده و متذکر شده بود که: «جلال یا خاچاتور توسط مأموران شاه تحت تعقیب قرار گرفته بود، اما او که در آن زمان از یک سفر تجارته‌ی از هند باز می‌گشت وقتی قبل از ورود به اصفهان از ماجرا با خبر گردید، مجبور شد همسرش را از اقامتگاه روحانیان کارملیت خارج کند و سپس آنها مخفیانه از اصفهان خارج شده و به شیراز آمدند و چند ماهی را به طور ناشناس سپری کرده تا پس از آرام‌شدن اوضاع بتوانند آزادانه از ایران خارج شده و به سرزمین‌های مسیحی نشین بروند». بدین ترتیب، در میان گزارش‌های بیان شده در منابع مذکور، تناقض وجود دارد. برای آگاهی بیشتر، نک: اسناد پادریان کرملی، سند شماره‌ی ۱۵۶، صص ۲۲۹؛ دلاواله، همان، ج ۲، ص ۱۲۰۰؛

A Chronicle of the Carmelites, vol. 1, p.260.

۳ دلاواله، همان، ج ۲، ص ۱۱۹۹.

به شاه برآمد و بیان نمود که وی همواره و در تمام امور، دین و مذهب و منفعت سلاطین خود را در نظر می‌گیرد و وظیفه‌ی پدران کارملیت به عنوان جانشین و عبدالمسیح، تبلیغ و نشر مسیحیت است و این همان کاری است که شاه و دولت‌مردان ایرانی برای تبلیغ اسلام در بین ارامنه و گرجیان انجام می‌دهند.<sup>۱</sup>

لازم به یادآوری است که شاه عباس به محض با خبر شدن از ماجرای مسیحی شدن افراد یاد شده و اعزام آن‌ها به هرمز، فرمان داد کلیسا و صومعه‌ی کارملیت‌ها بسته شود و همچنین تمامی پدران کارملیت و حتی کسانی را که در اقامت‌گاه آنان زندگی می‌کردند، توقیف کنند و آن‌ها را در منزلی زندانی نمایند و بر آن نگرهبانی قرار دهند و نیز به فرمان وی تمام قسمت‌های صومعه‌ی کارملیت‌ها را تفتیش کردند، چراکه انگلیسی‌ها به شاه خبر داده بودند که عده‌ی بیشتری از مسلمانان مسیحی شده و در صومعه‌ی مزبور پنهان گشته‌اند.<sup>۲</sup> با این‌همه، ظاهراً پاسخ‌های ژان تاده، شاه را راضی کرد. زیرا از تعقیب وی دست برداشت؛ هر چند فرمان داد تا یکی دیگر از نو مسیحیان را، که اسکندر نام داشت، سنگ‌سار نمایند.<sup>۳</sup>

در این اثناء، انتشار ردیه‌ای از طرف دلاواله، که در مجموعه‌ی مکاتبات شاه‌عباس از وی به نام «بیگ‌زاده رومانیه»<sup>۴</sup> یاد شده است، از یک سو، و از سوی دیگر، انتشار خبر مسیحی شدن تعدادی از مسلمانان توسط پدران کارملیت، خشم جمعی از علما و روحانیان را برانگیخت. از این روی، آن‌ها در نزد شاه عباس علیه ژان تاده شکایت کردند و بیان نمودند که وی شمار زیادی از ایرانیان را مسیحی نموده است، و تعداد این شکایت‌ها روز به روز بیشتر شد، تا

۱ اسناد پادریان کرملی، سند شماره‌ی ۱۵۵، صص ۲۲۳-۲۲۷؛ دلاواله، همان، ج ۲، ص ۱۱۹۹.

۲ اسناد پادریان کرملی، سند شماره‌ی ۱۵۶، صص ۲۳۰-۲۳۱؛ دلاواله، همان، ج ۲، ص ۱۱۹۹؛ فلسفی، همان، ج ۳، ص ۹۶۴؛ Ibid, vol. 1, p. 260.

۳ اسناد پادریان کرملی، سند شماره‌ی ۱۵۶، صص ۲۳۳-۲۳۵؛ Ibid, vol. 1, pp. 261-262.

۴ منظور از بیگ‌زاده رومانیه، پیتر دلاواله است که کتابچه‌ای در ردّ دین اسلام به زبان فارسی منتشر نمود. چنان‌که وی در سال ۱۶۲۱م/ ۱۰۳۱ق، به همراه پدر مانول، یکی از روحانیان آگوستینی پرتغالی، به خانه‌ی میر محمد زهگیر تراش، یکی از بزرگان اصفهان رفت و در آن جا با عالمی فقیه به بحث و جدل در مورد اختلافات دین مسیح با دین اسلام پرداختند و دلاواله بعد از پایان این جلسه مقاله‌ای در رد اسلام به زبان فارسی نگاشت و از میر محمد زهگیر درخواست نمود که آن را در بین بزرگان و عالمان علوم دینی منتشر سازد و علامه میرمحمد باقر داماد که مرجع و مجتهد آن دوران بود، یکی از شاگردانش را، به نام سید احمد علوی عاملی اصفهانی، برای پاسخ‌گویی به این ردیه انتخاب نمود و سید احمد علوی نیز در مقابل این ردیه کتابی تحت عنوان اللوامع الیرانی فی ردّ شبهة النصرانی نگاشت. برای آگاهی بیشتر، نک: دلاواله، همان، ج ۲، صص ۱۰۶۶-۱۰۶۹؛ جعفریان، سیاست و فرهنگ روزگار صفوی، ج ۲، ص ۹۷۳؛ محمدرضا وصفی (۲۰۰۴م)، التفاعل بین الاسلام و المسيحية فی ایران فی العهد الصفوی الاول (۱۰۳۸- ۱۰۷۰ق/ ۱۶۲۹- ۱۵۰۱م)، رساله‌ی دکتری، زیر نظر دکتر سمیر خلیل سمیر الیسوعی، بیروت: جامعة القديس يوسف كلية العلوم الدينية، صص ۳۰۷-۳۱۶.

جایی که برخی شهادت دادند که وی چند هزار مسلمان<sup>۱</sup> را مسیحی نموده است. اما شاه عباس برای پیش‌گیری از برهم خوردن روابط دوستانه‌ی بین ایران و دول مسیحی اروپا، به سخنان و شکایات علما توجه چندانی نکرد و مجازات زیادی برای کارملیت‌ها قائل نشد، زیرا از نظر وی، این نومسیحیان بودند که به دلیل خروج از دین اسلام، مستحق کیفر بودند، نه ژان تاده‌ی مسیحی که به وظیفه‌ی دینی خود در ایران عمل نموده بود. بدین منظور، فرمان داد که یوسف و ابراهیم را نیز سنگ‌سار کنند و بسوزانند؛<sup>۲</sup> و شاه ایران با اتخاذ چنین سیاستی، از سویی توانست روابط دوستانه‌ی بین ایران و دول مسیحی را حفظ نماید و از سوی دیگر تا حدی خشم و نارضایتی علما را نسبت به این مسئله کاهش دهد.

همچنین، شاه، پس از مدتی به کارگزاران خود فرمان داد با ژان تاده و سایر پدران کارملیت، مانند گذشته، با احترام رفتار کنند و به آنان اجازه دهند در صومعه‌ها و کلیساهایشان به عبادت بپردازند و کسی مزاحم آن‌ها نشود؛ اما متذکر شد، تا زمانی که وی به پایتخت بازنگشته،<sup>۳</sup> آنان را تحت نظر بگیرند و مراقب باشند که کارملیت‌ها فرار نکنند و اجازه ندهند که از صومعه خارج شوند و نیز اجازه‌ی ورود هیچ مسلمانی به محل اقامت آنان ندهند.<sup>۴</sup> بدین‌سان، نگهبانانی از سوی خسرو میرزا،<sup>۵</sup> داروغه‌ی اصفهان، مأمور مراقبت از صومعه‌ی کارملیت‌ها شدند. اما ظاهراً پدران کارملیت، به دلیل ایجاد مزاحمت‌هایی از سوی نگهبانان مذکور، در سال ۱۶۲۳م/۱۰۳۳ق، در ضمن نامه‌ای که به لایه‌یگ<sup>۶</sup> نگاشتند، از وی درخواست نمودند از مزاحمت‌های ایجاد شده جلوگیری کند و به این امر رسیدگی نماید.<sup>۷</sup>

اما پس از مدتی، شرایط برای پدران کارملیت بهتر شد و نگهبانانی که در اطراف صومعه‌ی

۱ باید متذکر شد، در این‌که پدران کارملیت بیش از پنج نفر از مسلمانان را مسیحی نموده بودند، هیچ شکی وجود ندارد؛ زیرا همان‌طور که اشاره گردید، غیر از این پنج نفر، خواهر و همسر و نوه‌ی الیاس نیز به دست ژان تاده مسیحی شده بودند. اما این گفته‌ی علما که تعداد مسلمانان مسیحی شده هزاران نفر بوده، به نظر می‌رسد، اشاره‌ای است به آرامنه‌ی ساکن در روستاهای ارمنی نشین اطراف اصفهان که توسط شاه عباس مسلمان شده بودند و پس از چندی به دست ژان تاده به دیانت مسیحی بازگشتند. برای آگاهی بیشتر، نک: دلاواله، همان، ج ۱، ص ۷۳۳؛ و ج ۲، صص ۹۴۸-۹۴۹؛ وصفی، *التفاعل بین الاسلام و المسيحية فی ایران فی العهد الصفوی الاول*، ص ۳۲۲.

۲ *اسناد پادریان کرملی*، سند شماره‌ی ۱۵۶، صص ۲۳۴-۲۳۵.

۳ شاه عباس در آن زمان در منطقه‌ی خراسگان مستقر بود. *اسناد پادریان کرملی*، سند شماره‌ی ۱۵۶، ص ۲۳۴.

۴ *اسناد پادریان کرملی*، سند شماره‌ی ۱۵۶، صص ۲۴۴-۲۴۶؛ دلاواله، همان، ج ۲، ص ۱۲۰۰؛ فلسفی، همان، ج ۲، ص ۹۶۵.

۵ خسرو میرزا از امیر زادگان گرجی تازه مسلمان بود و پس از میرعبدالعظیم مازندرانی، از سوی شاه عباس به سمت داروغه‌ی اصفهان منصوب شد. برای آگاهی بیشتر، نک: فلسفی، همان، ج ۲، ص ۱۱۷۹؛ دلاواله، همان، ج ۲، ص ۱۲۰۰.

۶ محب علی بیگ، لایه‌ی غلامان شاهی و خزانه دار و سرکار عمارات سلطنتی اصفهان بود که بسیار مورد توجه و علاقه‌ی شاه عباس قرار داشت. برای آگاهی بیشتر از او، نک: فلسفی، همان، ج ۲، صص ۷۸۵ و ۸۱۹.

۷ دلاواله، همان، ج ۲، ص ۱۲۰۰؛ *اسناد پادریان کرملی*، سند شماره‌ی ۱۶۰، صص ۲۵۰-۲۵۱.

کارملیت‌ها حضور داشتند، به دستور مقامات دولتی برداشته شدند و تنها گه‌گاه صومعه‌ی کارملیت‌ها را تفتیش می‌نمودند. اما آن‌ها دیگر آن ارزش و احترام سابق را نزد مردم و دستگاه حکومتی نداشتند. این‌گونه بود که دیگر جز فرنگیان و مسیحیان کاتولیک، کسی به کلیسای کارملیت‌ها رفت‌وآمد نمی‌کرد و حتی کودکان مسیحی که در مدرسه‌ی پدران کارملیت در اصفهان آموزش می‌دیدند، همگی مدرسه‌ی مزبور را ترک کردند<sup>۱</sup> و لاجرم ژان تاده برای شکستن فضای ایجاد شده، ضمن نامه‌ای، از شاه عباس تقاضا نمود که در قالب حکمی، دستور دهد تا از آن پس کسی مزاحم فعالیت‌های کارملیت‌ها نشود و آن‌ها بتوانند مانند سابق به زندگی خود پردازند.<sup>۲</sup> حتی ظاهراً مقرری‌ای که به پدران کارملیت به عنوان مهمانان خاص شاه عباس داده می‌شد، قطع شده بود؛ زیرا ژان تاده در نامه‌ای که در سال ۱۶۲۳ م/ ۱۰۳۳ ق به لیه بیگ نگاشته، قطع این مقرری را متذکر شده و تقاضای پرداخت مجدد آن را کرده است.<sup>۳</sup>

سقوط هرمز در سال ۱۶۲۲ م/ ۱۰۳۲ ق، و به دنبال آن اخراج مسیحیان از آن منطقه و از دست‌رفتن یکی از پایگاه‌های اقتصادی و تبلیغی کارملیت‌ها در هرمز از سویی، و شرایط پیش آمده برای پدران کارملیت از سوی دیگر، شرایط سیاسی و اقتصادی کارملیت‌ها را در ایران به شدت تحت تأثیر قرار داد. هر چند که این شرایط باعث ناامیدی پدران کارملیت نشد، چنان‌که ژان تاده در گزارش‌های کارملیت‌ها می‌گوید: «اگر چه مسلمانان هرمز را به عنوان یک تنبیه و مجازات از مسیحیان باز پس گرفته‌اند، اما ما به صورت همه‌جانبه و مجدانه فعالیت کرده و از تمام کمک‌های مادی و معنوی محروم می‌مانیم و به چیزی نیاز نداریم و اکنون تلاش می‌کنیم تا از حواریان مسیح باشیم...»<sup>۴</sup>.

## ۶. فعالیت‌های کارملیت‌ها در بین منداییان<sup>۵</sup>

از جمله اقدامات مذهبی کارملیت‌ها در این دوره، تبلیغ و ترویج مسیحیت در بین منداییان بود. لذا، آن‌ها ابتدا به تحقیق درباره‌ی مناطق سکونت، آداب و رسوم و عقاید مندایی‌ها در ایران

۱ دلاواله، همان، ج ۲، ص ۱۲۰۹.

۲ اسناد پادریان کرملی، سند شماره ۱۵۷، صص ۲۴۶-۲۴۷.

۳ همان، سند شماره ۱۶۰، صص ۲۵۰-۲۵۱.

4 A Chronicle of the Carmelites, vol. 2, p. 926.

۵ منداییان (Mandaeans) یا صابئیان، پیروان حضرت یحیی تعمید دهنده هستند. آن‌ها عقاید خاص خود را دارند و زبان-شان، زبان مندایی است و یکی از کتب مذهبی آنان «سیدرا» نام دارد. آن‌ها در دوره‌ی حکومت صفویان در مناطقی از ایران، از جمله رامهرمز، شوشتر، دزفول، میناب و هویزه، حضور داشتند. برای آگاهی بیشتر از آنان نک: دلاواله، همان، ج ۲، صص ۱۸۷ و ۱۵۹۵-۱۵۹۶؛ Ibid, vol. 1, p. 333.



پرداختند، تا بدین‌گونه بتوانند به راحتی آنان را به دین مسیح دعوت نمایند.<sup>۱</sup> آنان بیش از همه بر آن بودند تا فرزندان منداییان را آموزش دهند و به دین مسیحی درآورند و سپس آن‌ها را به رم و اسپانیا بفرستند و از آنان به عنوان سرباز در سپاه و لشکر بهره گیرند. همچنین، پدران کارملیت تصمیم گرفتند کتاب مذهبی مندایی‌ها، یعنی *سیدرا*<sup>۲</sup>، را به عربی ترجمه نمایند. بدین ترتیب، سرانجام تعدادی از منداییان، با بیان شروطی، حاضر شدند مذهب کاتولیک را بپذیرند و به دست کارملیت‌ها غسل تعمید داده شوند، که برخی از این شروط از این قرار بود: این که پاپ سالیانه کمک‌هایی در اختیار آنان قرار دهد تا بتوانند جزیه‌ی خود را به مسلمانان بپردازند، و یا این که با شاه ایران مذاکره نماید تا آن‌ها را از پرداخت جزیه معاف بدارد. دوم این که، به آن‌ها اجازه داده شود تا مراسم ازدواج‌شان را، طبق آیین مندایی برگزار نمایند، و هیچ‌گاه مجبور نباشند که دختران‌شان را به ازدواج مسیحیان درآورند. سوم آن که، به آنان اجازه داده شود تا مردگان خود را طبق آداب و رسوم خودشان دفن نمایند؛ و چهارم آن که، ذبیحه‌ی خود را بخورند و مجبور نباشند از گوشت حیوانات ذبح شده توسط مسیحیان یا مسلمانان، استفاده کنند.<sup>۳</sup> در واقع، با تعیین این شروط، کارملیت‌ها از مسیحی کردن منداییان بازماندند؛ چراکه پذیرش این شروط به معنای حفظ آیین مندایی بود.<sup>۴</sup>

## ۷. فعالیت‌های تبلیغی در بین کلدانیان (آشوریان)<sup>۵</sup> منطقه‌ی آذربایجان

از جمله فعالیت‌های مذهبی کارملیت‌ها در دوره‌ی حکومت شاه عباس دوم، تلاش برای ترویج مذهب کاتولیک در بین آشوریان (نسطوریان) ساکن در پیرامون دریاچه‌ی ارومیه و منطقه‌ی آذربایجان بود؛ لذا، تعدادی از پدران کارملیت، در خلال سال‌های ۱۶۵۲-۱۶۵۳م/۱۰۶۲-۱۰۶۳ق، به سوی تبریز و سلماس عزیمت نمودند، تا بتوانند با موعظه‌های خود، نسطوریان ساکن در این مناطق را به مذهب کاتولیک متمایل سازند و آنان را در زمره‌ی پیروان کلیسای کاتولیک رم درآورند.<sup>۶</sup> این فعالیت‌های تبلیغی در بین آشوریان، برای مبلغان کارملیت به دو دلیل حائز اهمیت

1 Ibid, vol. 1, pp. 324-326.

2 Sidra

3 *A Chronicle of the Carmelites*, vol. 1, pp. 327-338.

4 Ibid, vol. 1, p. 336.

۵ مسیحیان نسطوری ایران، که در شمال غرب کشور و پیرامون دریاچه‌ی ارومیه ساکن هستند، به نام آشوری و کلدانی مشهورند. آنان از سده‌ی ۱۶م به بعد، در اروپا بدین نام اشتهار یافتند. برای آگاهی بیشتر راجع به آنان، نک: ایرج افشار (تیرماه ۱۳۵۰ش)، «نسطوریان ایرانی»، در *مجله‌ی اطلاعات ماهانه*، ش ۴۰، ژانست صلیبی (۱۳۸۲ش)، *ایرانیان آشوری و کلدانی*، تهران: انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ص ۱۱.

6 Ibid, vol. 1, p. 382.

بود: یکی این که نسطوریان ایران نسطوری باقی بمانند و در برابر تبلیغات مسلمانان، به دین اسلام گرایش پیدا نکنند؛ و دیگر آن که آنان به کلیسای کاتولیک رم بپیوندند. شایان ذکر است که آشوریان ساکن این مناطق، به زبان خاص خود سخن می‌گفتند و با زبان فارسی آشنایی نداشتند؛ لذا، پدران کارملیت در ابتدای امر بایستی توسط یک واسطه که زبان آن‌ها را می‌دانست، با آنان ارتباط برقرار می‌کردند. بدین‌سان، کارملیت‌ها به سراغ این نسطوریان رفتند و به تبلیغ در بین آن‌ها پرداختند؛ اما شیوه‌ی تبلیغ به گونه‌ای بود که ابتدا کارملیت‌ها با آنان اظهار هم‌کیشی می‌نمودند و سپس با زیرکی تمام مذهب نسطوری را به چالش می‌کشیدند.<sup>۱</sup> پدران کارملیت، سرانجام موفق شدند تعدادی از آشوریان مناطق مزبور را به مذهب کاتولیک درآورند. همچنان که کارملیت‌ها در گزارش‌های خود بیان داشته‌اند که آشوریان، با وجود تغییر کیش و پذیرش مذهب کاتولیک، برخی از جزئیات آداب مذهب نسطوری را فراموش نکرده‌اند و همچنان به انجام دادن آن‌ها مبادرت می‌ورزند؛ از آن جمله پذیرش پنج موضوع برای آشوریان دشوار است که عبارت اند از: ۱) عدم برگزاری مراسم بزرگداشت برای نسطوریوس؛ ۲) اعتراف به تمامی گناهان؛ ۳) اعتقاد به دائمی بودن پیوند زناشویی؛ ۴) عدم ازدواج مجدد کشیشان بعد از مرگ همسر اولشان؛ ۵) نداشتن ترس و واهمه از اعمال خشونت و بدرفتاری حکام مسلمان؛ که ظاهراً مورد آخر بیش از همه، برای کارملیت‌ها اهمیت داشته است.<sup>۲</sup>

#### ۸. بهره‌گیری کارملیت‌ها از دانش پزشکی در راستای تبلیغ مسیحیت

از دیگر فعالیت‌های مذهبی کارملیت‌ها در ایران، غسل تعمید کودکان شیعه‌ی در حال مرگ بود و مبلغان کارملیت با این عمل به ظن خود، آن‌ها را به مسیحیت در می‌آوردند، و از دیدگاه آنان، کودکان مذکور به عنوان افراد مسیحی مستقیماً وارد بهشت می‌شدند. در این دوره، اغلب پدر بالثازار<sup>۳</sup> و پدر دیونیسیوس به انجام دادن این کار می‌پرداختند. آن‌ها حتی کودکان در حال مرگ زرتشتی و یهودی را نیز غسل تعمید می‌دادند. بنابر آمارهای اعلام شده از سوی کارملیت‌ها، مبلغان کارملیت در سال ۱۶۴۸م/۱۰۵۸ق، ۱۲۰ نفر، و در سال ۱۶۴۹م/۱۰۵۹ق، ۳۷۵ نفر، و در سال ۱۶۵۰م/۱۰۶۰ق، ۳۲۶ نفر را غسل تعمید دادند.<sup>۴</sup> کارملیت‌ها خود در

1 Ibid, vol.1, pp. 382-385.

2 A Chronicle of the Carmelites, vol.1, p. 386-387.

3 Fr.Balthazar of S.Mary

4 Ibid, vol.1, pp. 393-394.

گزارش‌هایشان بیان کرده‌اند که: در ایران و سوریه، مردم فرزندان‌شان را در هنگام بیماری نزد پدران کارملیت می‌آوردند و از آن‌ها درخواست می‌نمایند تا برای فرزندشان دعا کنند و انجیل بخوانند، و در این بین، کشیشان کارملیت این کودکان را به صورت مخفیانه و به دور از چشم والدین‌شان، غسل تعمید می‌دادند و مسیحی می‌کردند.

بدین ترتیب، مردم ایران و به‌خصوص اقشار مستمند جامعه، با این گمان که پدران کارملیت دانش پزشکی می‌دانند، فرزندان بیمارشان را نزد آن‌ها می‌بردند و متأسفانه آنان با بهره‌گیری از این فرصت، کودکان مذکور را، به گمان خود، مسیحی می‌نمودند. این‌گونه بود که آن دسته از پدران کارملیت که در پزشکی و داروشناسی متبحر و خبره بودند، توانستند موفقیت‌های بیش‌تری کسب کنند؛ چراکه مردم نه تنها کودکان بیمارشان را نزد آن‌ها می‌بردند، بلکه سایر شهروندان نیز برای معالجه و دریافت دارو، نزد آنان می‌رفتند.<sup>۱</sup>

همچنین، کارملیت‌ها در گزارش‌هایشان متذکر شده‌اند: از آن‌جا که مسلمانان و شیعیان ایران به برخی از خرافات، چون طلسم و چشم زخم، معتقدند، مبلغان کارملیت از این نوع اعتقادات استفاده می‌کنند و آن‌ها را به سوی خود جلب می‌نمایند، تا با خواندن دعا و انجیل، آن‌ها را از بدی‌ها دور کنند و با این ترفند آنان را به مسیحیت علاقه‌مند می‌سازند.<sup>۲</sup> شایان ذکر است که پدران کارملیت دادن غسل تعمید را از افتخارات خود می‌شمردند. به عنوان مثال، آن‌ها گزارش دادند که در طی سال‌های ۱۶۵۵-۱۶۵۸م/۱۰۶۵-۱۰۶۸ق، تعداد ۵۷۲ کودک مسلمان را غسل تعمید داده‌اند، و یا این‌که پدر دیونیسوس در طول مدت مأموریت خود در ایران، ۲۰۰۰ نفر را با دستان خود غسل تعمید داد.<sup>۳</sup> شایان ذکر است که مبلغان کارملیت بیش‌تر در نوان‌خانه‌هایی<sup>۴</sup> که در برخی از شهرهای ایران تأسیس کرده بودند، به انجام دادن این امور

۱ لارنس لاکهارت (۱۳۸۳ش)، *انقراض سلسله‌ی صفویه*، ترجمه‌ی اسماعیل دولت‌شاهی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۸۶.

Ibid, vol.1, pp.395-396.

۲ *A Chronicle of the Carmelites*, vol. ۱, p.396.

۳ Ibid, vol.1, p.396

۴ نوان‌خانه (hospice) در فرهنگ غرب به معنای اقامت‌گاهی برای مسافران، کودکان بی‌سرپرست و افراد تهی‌دست است که توسط فرقه‌ای مذهبی اداره می‌شود. اما نوان‌خانه‌های تأسیس شده توسط کارملیت‌ها در ایران، اصولاً مجلی بود که اتباع اروپایی کاتولیک که به ایران می‌آمدند، در آن‌جا اقامت می‌گزیدند، و نیز مردم برای درمان بیماران خود و دریافت دارو به آن‌جا مراجعه می‌کردند. برای آگاهی بیش‌تر، نک: ژان باپتیت تاورنیه (۱۳۳۱ش)، *کتاب تاورنیه*، ترجمه‌ی ابوتراب نوری، تهران: انتشارات مطبعه‌ی برادران باقراف، ص ۲۵۷؛ جوانی فرانچسکو جملی کارری (۱۳۸۳ش)، *سفرنامه‌ی کارری*، ترجمه‌ی عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، صص ۲۰۶ و ۲۲۳.

*Merriam Webster's Collegiate Dictionary* (2003), Eleventh Edition, United States of America, An Encyclopedia BRITANICA Company. p.601.

می‌پرداختند.

## نتیجه

پدران کارملیت برهنه‌پا در عصر صفوی در زمینه‌ی فعالیت‌های تبلیغی-تبشیری در راستای ترویج مذهب کاتولیک، تلاش‌های فراوان نمودند و حتی سعی داشتند شاهان صفوی و درباریان را نیز به آیین کاتولیک متمایل سازند و در بین قشرهای مختلف جامعه‌ی ایرانی، از جمله مسلمانان، ارامنه، کلدانیان و آشوریان، دست به تبلیغ و ترویج آن مذهب زدند. اگرچه مسیحی ساختن تعدادی از مسلمانان موقعیت آنان را در نزد شاه و مردم متزلزل نمود، اما آن‌ها همچنان برای تحقق اهداف خود فعالیت کردند و ناامید نشدند. شایان ذکر است که فعالیت‌های مبلغان کارملیت در ایران، در این برهه خاتمه نیافت و حضور و فعالیت‌های آنان تا دوران سلطنت کریم خان زند (۱۱۷۹-۱۱۹۳ق/۱۷۶۵-۱۷۷۹م)، همچنان ادامه یافت.

## منابع

### الف. فارسی

- اسناد پادریان کرملی بازمانده از عصر شاه عباس صفوی (۱۳۱۳ش)، به کوشش منوچهر ستوده و با همکاری ایرج افشار، تهران: انتشارات میراث مکتوب.
- افشار، ایرج، «نسطوریان ایرانی» (تیرماه ۱۳۵۰ش)، در مجله‌ی اطلاعات ماهانه، ش ۴۰.
- امین، سید حسن، «تبلیغ مسیحیت در قلمرو اسلام و پادریان در ایران» (زمستان ۱۳۷۸ش)، در مجله‌ی مقالات و بررسی‌های تاریخی، ش ۶۶.
- برنتل، جورج (۱۳۸۱ش)، آیین کاتولیک، ترجمه‌ی حسن قنبری، قم: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- تاورنیه، ژان باپتیست (۱۳۳۱ش)، کتاب تاورنیه، ترجمه‌ی ابو تراب نوری، تهران: انتشارات مطبوعه‌ی برادران باقراف.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۸ش)، سیاست و فرهنگ روزگار صفوی، ج ۲، تهران: انتشارات علم.
- دلاواله، پیتر و (۱۳۸۰ش)، سفرنامه‌ی پیتر و دلاواله، ج ۱ و ۲، ترجمه‌ی محمود بهفروزی، تهران: انتشارات قطره.
- شاردن، جان (۱۳۷۴ش)، سفرنامه شاردن، ج ۴، ترجمه‌ی اقبال یغمایی، تهران: انتشارات توس.
- صلیبی، ژانست (۱۳۸۲ش)، ایرانیان آشوری و کلدانی، تهران: انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- فانینگ، استیون (۱۳۸۴ش)، عارفان مسیحی، ترجمه‌ی فریدالدین راد مهر، تهران: انتشارات نیلوفر.

- فلسفی، نصرالله (۱۳۷۵ش)، *زندگانی شاه عباس اول*، ج ۳ و ۲، تهران: انتشارات علمی.
- فیگوئروا، دن گارسیا د سیلوا (۱۳۶۳ش)، *سفرنامه‌ی فیگوئروا*، ترجمه‌ی غلام‌رضا سمیعی، تهران: نشر نو.
- کارری، جووانی فرانچسکو جملی (۱۳۸۳ش)، *سفرنامه‌ی کارری*، ترجمه‌ی عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- کاوسی عراقی، محمد حسن (۱۳۷۹ش)، *اسناد روابط دولت صفوی با حکومت‌های ایتالیا*، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- کتاب مقدس (عهد عتیق و عهد جدید ۱۹۸۷م)، ترجمه‌ی انجمن کتاب مقدس، تهران: انتشارات انجمن کتاب مقدس ایران.
- لاکهارت، لارنس (۱۳۸۳ش)، *انقراض سلسله‌ی صفویه*، ترجمه‌ی اسماعیل دولتشاهی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- نفیسی، سعید (فرودین ۱۳۲۸ش)، «روابط تاریخی دربار ایران و دربار واتیکان»، در *مجله‌ی وزارت امور خارجه*، ش ۹.
- وصفی، محمد رضا (دفاع شده در سال ۲۰۰۴م)، *التفاعل بين الاسلام و المسيحية في ايران في العهد الصفوي الاول (۱۰۳۸- ۹۰۷هـ/ ۱۶۲۹- ۱۵۰۱م)*، رساله‌ی دکتری، زیر نظر دکتر سمیر خلیل سمیر الیسوعی، بیروت: جامعه‌ی القديس يوسف كلية العلوم الدينية.

### ب. منابع لاتین

- Alonso, C. (1983), "A los origines de las relaciones entre la Santa Sedey Persia, 1571-72," *Miscellanea Historiae Pontificiae* 50, pp. 215-29.
- *A Chronicle of the Carmelites in Persia and the Papal mission of the XVII and XVIII centuries* (1939), Volume 1-2, London: Eyre and pottiswoode.
- Bowker, John (1999), *The OXFORD Dictionary of World Relegions* , Oxford – New York: Oxford university Press.
- *Merriam Webster's collegiate Dictionary* (2003), Eleventh Edition, United States of America, An Encyclopedia BRITANICA Company.
- Sarton, George (1984), *Introduction to the History of Science*, Baltimore: The Williams & Wilkins Company.
- *The Encyclopedia AMERICANA* (1963), New York: AMERICANA Corporation.
- *The New Encyclopedia Britanica* (2003), London: Encyclopedia Britanica Corporation.
- Waterfield, Robin.E (1973), *Christians in Persia*, London: George Allen & Unwin.



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی